
آفات و برکات زبان از دیدگاه نهج البلاغه و مقام معظم رهبری (دام ظلّه)

سمیه احمدی طیفکانی^۱ (نویسنده مسئول) - رقیه زحمت‌کش^۲ - نجمه عنایت^۳ - فاطمه
خادمی ماشاری^۴

چکیده

زبان یکی از نعمت‌های بزرگ خدادادی است که در اختیار بشر قرار گرفته است. زبان مهم‌ترین وسیله ارتباط انسان با انسان‌های دیگر و برترین ابزار برای اظهار خواسته‌های قلبی است. به بیانی دیگر آنچه در صفحه روح نقش می‌بندد قبل از هر چیز به صفحه زبان و در بین گفته‌های او خودنمایی می‌کند. زبان با وجود کوچکی، مسئولیت سنگینی برای انسان ایجاد می‌کند زیرا وظیفه بزرگی به عهده آن گذاشته، کفر و ایمان تنها با زبان آشکار می‌شود. هدف این پژوهش بررسی و تبیین آفات و برکات زبان از دیدگاه نهج البلاغه و اندیشه مقام معظم رهبری است که با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه‌ای و پردازش اطلاعات با

۱. دانش آموخته سطح ۳ کلامی اسلامی، موسسه آموزش عالی فاطمه معصومه علیها السلام بندرعباس،

s.ahmadi_t@yahoo.com

۲. دانش آموخته سطح دو مدرسه علمیه الزهرا سلام الله، بندرعباس razmiw1234@gmail.com

۳. دانش آموخته سطح دو آموزش قاسم بن الحسن تهران hadiskhademi1394@gmail.com

۴. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه الزهرا علیها السلام، بندرعباس s.ahmadi_t@yahoo.com

رویکرد توصیفی و تحلیلی به بررسی نهج البلاغه و واکاوی سخنان مقام معظم رهبری پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد برخی از آفات زبان، شش مورد شامل: غیبت و عیب جوئی، دروغ، دشنام، نکوهش بی جا و ملامت، افشاگری و بازگوئی اسرار، دورویی و دوزبانی و برخی از برکات زبان، هشت مورد شامل: صداقت، اعتدال در سخن، رازداری، موعظه، دعا و شکر، داوری و قضاوت، گشاده‌رویی، سنجیده سخن گفتن شناسایی شد.

کلید واژه‌ها: آفات و برکات زبان، نهج البلاغه، مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مقدمه

زبان یکی از نعمت های خداوند است که آن را به انسان بخشیده است تا از طریق آن بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند اما به همان اندازه می تواند پیامدهای سوء به دنبال داشته باشد. زیرا زبان را آفت‌هایی است که اگر کنترل نگردد، موجب برهم زدن آرامش و امنیت اشخاص در جامعه و خود شخص می شود.

در قرآن زبان از جایگاه ویژه ای برخوردار است این پژوهش به بررسی آفات، برکات زبان از منظر نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری پرداخته است. نقش زبان و اهمیت آن در میان اعضاء انسان برکسی پوشیده نیست. زبان با وجود کوچکی مسئولیت سنگینی برای انسان ایجاد می کند زیرا وظیفه بزرگی به عهده آن گذاشته، کفر و ایمان تنها با زبان آشکار می شود زبان با گفتن شهادتین بزرگترین جزء از اجزاء ایمان را بوجود می آورد و با انکار آن از کافران به شمار می آید. زبان با تمام فوائدی که برایش ذکر می شود آفاتی نیز دارد که باید آنها را شناخت تا با کنترل زبان از ابتلاء به آن آفات پیشگیری کرد.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. زبان

زبان یک سیستم قراردادی منظم از آواها یا نشانه های کلامی یا نوشتاری بوده که توسط انسان‌های متعلق به یک گروه اجتماعی یا فرهنگی خاص برای نمایش و فهم ارتباطات و اندیشه‌ها به کار برده می شود. کارکرد اصلی زبان ایجاد ارتباط یعنی انتقال اطلاعات از شخصی به شخص دیگر است زبان احوال دورن است امکان ندارد درون انسان پاک و سالم باشد اما زبان او کثیف. زبان دریچه ای است که محتویات درون را ظاهر می‌کند. زبان انسان آینه دل اوست. خداوند تنها در مورد خلقت انسان به خود آفرین گفته و به عنوان «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» خود را توصیف نموده و فرموده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (الرحمن، ۵۵، آیه ۴) خداوند انسان را آفرید و سخن گفتن را بدو آموخت. و امیرالمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «به شگفت آید از این انسان که با پاره ای «پی» می نگرد و با «گوشت»

سخن می گوید وبا «استخوان» می شنود واز شکافی نفس می کشد!!!» (دستی، ۱۳۸۸، ۴۵۵). سخنی از مقام معظم رهبری زبان استخوان فقرات یک ملت است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از معلمان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۲، <https://khl.ink/f/3281>)

۲.۱. آفات

«زبان» عضوی کوچک است اما دارای آفات فراوان و خطرهای سهمگینی می باشد که هر لحظه آرامش و امنیت، اعتبار و آبرو، جان و مال، دین و دنیا و بالاخره موجودیت مادی و معنوی صاحب خود و دیگران را تهدید می کند و به سقوط و نابودی می کشاند. آن چنان که استخوان سالمی در بدنش باقی نمی ماند و یا بر اثر وجود توده آتشی که در مجاورت آن است سقوط کرده و می سوزد. کافی است که چنین شخصی لحظه ای غفلت کند یا بی تفاوتی نشان دهد که سرنوشتی جز مرگ و سوختن نخواهد داشت. البته دیگر اعضا بدن آدمی نیز هر یک وسیله انواع خطرهای و آفت‌های مادی و معنوی هستند که ممکن است صاحبان خود و دیگران را در معرض هلاکت قرار داده دچار بلا و بدبختی کنند. اما هرگز مجموع آفات خطاها و خطرهای آنها به حجم و آفت‌های زبان و واکنش‌های سوء آن نمی رسد. (فقیه ایمانی، ۱۳۸۰، ۳۱)

مقام معظم رهبری: این که بنده گاهی اوقات اعتراض میکنم به بعضی از مدّاحی‌ها که مثلاً فرض کنید در عزاداری دهه ی محرم وقتی انسان نگاه میکند- که گاهی می آورند عکسهایش را؛ حالا هم که دیگر این وسایل زیاد شده؛ البته بنده ندارم اما گاهی می آورند به من نشان می دهند این عکسها و مانند این‌ها را - میبیند مثلاً در یک جلسه همه دارند همین طور میپزند هوا و می آیند پایین؛ خب، این چه فایده ای دارد؟ این چه تأثیری دارد؟ کجای این عزاداری است؟ اینکه من اعتراض میکنم، از هیجان جوان‌ها بنده ناراحت نیستم؛ خب جوان اهل هیجان است، جوان منبع انرژی است و دائماً دلش می خواهد انرژی خودش را تخلیه کند؛ من از این باب (می گویم) که این وظیفه های بزرگ زمین

نماند. وقتی که در یک جماعتی ده هزار جوان یا پنج هزار جوان جمع شدند و دلشان را دادند به شما، شما می توانید با یک اجرای عالی، هنرمندانه و پُرمغز، این‌ها را تبدیل کنید به انسان‌های کارآمدی که با عزم جزم بروند دنبال کار، می توانید هم تبدیل کنید به آدم‌های بی خیال، بی فکر، ناامید و از لحاظ معنوی تهیدست؛ این کار را هم می شود کرد. شما از این فرصت استفاده کنید و آن شقّ اوّل را انتخاب کنید. حرف من این است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۵/۰۱/۱۱، <https://khl.ink/f/32740>)

بنابراین موضوع آفات و مفسدات زبان از دیرباز مورد توجه دانشمندان گرانقدر فن اخلاق بوده است و در آیات شریفه قرآن و احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام و استفاده از سخنان مقام معظم رهبری و سخن گوهر بار مولای متقیان امیرالمؤمنان ارواح فداه تعدادی از آفات زبان را در این تحقیق بررسی کرده ایم.

۳.۱. برکات

زبان است که قبل از دیگر اعضاء سرنوشت قطعی صاحب خود و کسانی را که در سایه ی تاثیرگفته های آن قرارگیرند از سردوراهی خوشبختی یا بد بختی عزت یا ذلت، سرافرازی یا رسوائی، خوشنامی یا بدنامی، پاداش یا مجازات، سفیدروئی یا سیه روی، کامیابی یا ناکامی، سپاس‌گزاری یا کفران، دوست‌یابی یا دشمن تراشی، خیر یا شر، صلاح یا فساد، هدایت یا گمراهی، سعادت یا شقاوت، رستگاری یا گرفتاری، ایمان یا کفر، حق یا باطل، خدا یا شیطان و بالاخره بهشت یا جهنم تبیین خواهد کرد. و طبق فرموده قرآن مجید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». (انسان، ۷۶، آیه ۳) انسان در برابر رهنمود های خدا و پیامبران و امامان معصوم یا راه سپاس‌گزاری را در پیش می گیرد (که سرنوشتش بهشت باشد) یا راه کفران و ناسپاسی نعمت هدایت و سعادت را (که عاقبتش جهنم خواهد بود).

۴.۱. حفظ زبان

زبان یکی از شاهکارهای جهان آفرینش است پس انسان باید زبان خود را حفظ کند و هر

جا که لازم باشد سخن بگویید. امام امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «کسی که بداند گفتارش عملی از اعمال اوست و باید جوابگوی آثار و پیامدهای آن باشد) جز در موارد ضروری کم حرف خواهد بود.» (دستی، ۱۳۸۸، ۵۱۷) و نیز امام امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «سخن درمهار تو است تا دمی که آن را نگفته ای و چون گفתי تو درمهار آن خواهی بود. پس زبانت را نگه دار همانند طلا و نقره (یا اسناد مالی) ات که در خزانه نگه می داری چه بسا سخنی که نعمتی را تباه سازد و نکبتی را به بار آورد.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۱).

۲. آفات زبان

آفات زبان بسیار زیاد است و ما در ذیل به شش مورد از مهم ترین آفات زبان اشاره می کنیم.

۱.۲. غیبت و عیب جویی

امام علی علیه السلام در خطبه زیر مردم را از غیبت و عیب جویی یک دیگر نهی کرده است و دلایل مختلفی برای آن ذکر می فرماید: محنت این که: آنها که از عیب و گناه پاکند باید شکر این نعمت را در پرهیز از غیبت و عیب جویی دیگران قرار دهد: دیگر این که اگر عیب جویان درست در خویش بنگرند عیوبی همانند آنچه بر دیگران خرده می گیرند در خود می یابند با این حال که خود به آن گرفتارند. سوم این که: گاه ممکن است انسان گناه کوچکی مرتکب شده باشد و به گمان این که آلوده گناه بزرگی نیست به غیبت و عیب جویی دیگران پردازد که خود بزرگترین گناه است افزون بر این شخص عیب جوچه می داند شاید خداوند گناه کسی را که غیبتش می کند بخشیده باشد ولی گناه عیب جو بخشوده نشده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۵۴۹/۵ - ۵۵۰)

در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است که در این خطبه که با عبارت «وَإِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ، أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ؛ همانا برای آنان که اهل عصمت اند و سلامت از گناه برای آنان فراهم است شایسته است که بر بزهکاران و گنه پیشگان رحمت آورند.» از سخنان آن حضرت علیه السلام در نهی از غیبت کردن

از مردم در چهار فصل آورده است که به راستی بسیار مفید است: فصل نخست درباره سخنان خداوند و بزرگان در نکوهش غیبت و گوش دادن به آن است که بخشی از آیه دوازدهم سوره حجرات شروع می شود و خداوند فرموده است: «و غیبت می کند برخی از شما برخی را» و سپس به ذکر احادیث پرداخته است. فصل دوم درباره حکم غیبت از لحاظ دین است که آن را از جهات مختلف بررسی کرده و این روایت را نیز آورده است که معاذ بن جبل روایت می کند و می گوید: «در حضور رسول خدا ﷺ نام مردی برده شده: گروهی گفتند: چه مرد ناتوانی است فصل سوم در علل و انگیزه های غیبت است و فصل چهارم در نشان دادن راه توبه از غیبت است. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ۴/۲۷۸)

مقام معظم رهبری: «اگر چنانچه ما چیزی را به کسی نسبت بدهیم که در او نیست، خب این میشود تهمت. اگر چنانچه چیزی را بگوئیم که به آن علم نداریم؛ مثلاً یک شایعه است - یک نفری یک حرفی را از قول یکی نقل میکند، ما هم همان را دوباره تکرار میکنیم - خب، این کمک کردن به شایعه است، این شایعه پردازی است؛ قول به غیر علم است. قول به غیر علم، خود قولش هم اشکال دارد، عمل کردن به آن امر غیر معلوم و بدون علم هم اشکال دارد. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶، <https://khl.ink/f/20686>)

بنابراین با رواج چنین آفت زبانی روح اخوت و اتحاد و یکرنگی جای خودش را به تفرقه و جدایی و بیگانگی می دهد و همچنین عیب جویی موجب گسترش بدبینی عداوت و کینه ورزی در جامعه می شود ما باید با تقویت ایمان و تقوی و الگو گرفتن از سخنان مولایمان امیر مؤمنان و مقام معظم رهبری از این گناهان دوری کنیم تا عاقبت به خیر شویم.

۲.۲.۲. دروغ

از بزرگترین آفت های زبان دروغ و سخن برواق است دروغ از بدترین رذائل اخلاقی و زیان بارترین گناهان زبان می باشد. به همین دلیل بیش از دیگر گناهان زبان و دیگر اعضا

آدمی مورد نکوهش قرار گرفته و به مجازات و عذاب شدید تهدید شده؛ دروغ از بدترین آفات زبانی است که همواره خط فامیل حق و باطل بوده و هست و بزرگ ترین عامل نافرجامی و شکست دروغگویان در راه رسیدن به اهدافشان همان وعده های دروغین و شناخته شدن به دروغگویی و التزام نداشتن به وعده هایی بوده که به مردم داده اند.

و نیز نقل است که مردی به خدمت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرفیاب شد و عرض کرد ای رسول خدا! من چهار عمل ناپسند را مرتکب می شوم هر یک را بخواهید به خاطر شمتا ترک می کنم و آن چهار چیز زنا، شرب، خمر، دزدی و دروغ است. پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: دروغ را ترک کن! آن مرد هم قبول کرد و رفت. اما زمانی که خواست زنا کند اندیشید ممکن است پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از من بپرسد. چه کرده ای؟ پس اگر راست بگویم مرا حد خواهد زد و اگر دروغ بگویم برخلاف قرارداد با اوست. و بدین ترتیب به برکت تصمیم بر ترک دروغ از ارتکاب زنا منصرف شد و یکایک اعمال زشتی را که بدان مبتلا بود ترک کرد و یک مسلمان متعهد شد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ۶/۳۵۷)

همچنین امیرمؤمنان حضرت علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می فرماید: «جَانِبُوا الْكُذْبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ الْإِيمَانَ الصَّادِقُ عَلَيَّ شَفَا مَنْجَاةٍ كَدَامَةً؛ از دروغ بپرهیزید که دورکننده ایمان است راستگو در معرض رستگاری و بزرگواریست و دروغگو مشرف پرتگاه هلاکت و خواری. (دستی، ۱۳۸۸، ۱۰۳)

امام خود جلوه تمام عیار راستی و درستی در سیاست بود. آن حضرت در خطبه ای که پس از بیعت مردم با خود در مدینه ایراد کرد فرمود: «ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِيْنَةً وَأَنَا زَعِيْمٌ... وَ إِلَيْهِ مَا كَتَمْتُ وَ شِمَّةٌ وَلَا كَذِبٌ كَذِبَةٌ؛ آنچه می گویم در عهده خویش می دانم و خود ضامن آنم... به خدا سوگند! کلمه ای از حق را نپوشاندم و دروغی بر زبان نراندم. (دستی، ۱۳۸۸، ۳۰۷)

امیرمؤمنان عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام در تمام دوران حکومتش به همین گونه بود و هرگز سیاست خود را به دروغ و فریب و خیانت و بی وفایی نیالود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ۱۰۸)

مقام معظم رهبری: یکی از کسب های حرام، کسب از طریق کذب و دروغ است. در

گذشته اکتساب از راه کذب، کمتر وجود داشت. اما در زمان ما این معنا وجود دارد. امروزه عده ای در دنیا از طریق دروغ گفتن نان می خورند! دروغ و شایعه پردازی، در دنیا کار رایجی است. بعضی از روزنامه نگارها، وبلاگ نویس ها یا کسانی که در رسانه های صوتی و تصویری کار می کنند، دروغ می سازند و بابت آن پول می گیرند. این یک معامله ای است که اگر بخواهیم بگوییم این معامله حرام است، لازمه اش این است که دروغ گفتن حرام باشد. حرام بودن مطلق دروغ و کذب از ضروریات فقه است؛ چه دروغ کوچک و بی اهمیت باشد و چه بزرگ و تأثیرگذار. اما کبیره بودن این گناه در صورتی است که کذب در امر دین و دروغ بستن به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله باشد؛ یا کذبی باشد که مفسد فراوانی بر آن مترتب است، و الا کذب از گناهان صغیره است. مثل اینکه از کسی پرسند: "شما فلانی را ندیدید؟" جواب می دهد: "نه". درحالیکه آن شخص را نیم ساعت پیش دیده است. این دروغ، اهمیتی ندارد. (امام خامنه ای، رساله ی آموزشی احکام معاملات، <https://khl.ink/f/27821>، ۱۳۹۳/۷/۱۴)

تکذیب سخنان صحیح و دروغ جلوه دادن واقعیات و حقایق دینی از آفت های زبان و گناه کبیره است که باید از آن برحذر بود که به وسیله ترک دروغ از بسیاری از گناهان انسان فاصله گرفته است.

۲.۳. دشنام (فحش)

شئون شخصی - خانوادگی، فامیلی، شغلی، مذهبی و دیگر چیزهایی افراد را با تعبیرات زشت، رکیک هدف جمله قرار دادن است. این آفت زبانی از بدترین رذائل اخلاقی و به دور از روح اسلام و انسانیت و مایه ظلم و آزدن مؤمن و اهانت به وی خواهد بود. امام امیر مؤمنان علی علیه السلام هنگامی که در جنگ صفین متوجه شد همراهانش به مردم شام دشنام می دهند فرمود: «من خوش ندارم شما پیروان من به (شامیان) دشنام دهنده باشید لکن به جا و نزدیک تر به صواب آن بود که رفتار ناپسند شان را بازگو می کردید و کج روی آنان را برمی شمردید. زیرا چنین روش و رفتار برای آن کس که مبارزه شما را با آنان نکوهش می

کند گویاترین و شایسته ترین پاسخ و اتمام حجت است. بهتر آن بود که به جای دشنام بگویی: پروردگارا تو خود خون ما و آن ها را از ریختن حفظ کن و بین ما و آنها صلح و آشتی برقرار فرما و آنان را از کجروی به راه راست رهنمود کن تا آنگاه به حق، حقیقت را بشناسد و ستیز گرد رعناد و سرکشی دست از آن بشوید و راه رستگاری جوید. (جعفری، ۱۳۸۰، ۲۳۰)

و امام امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: از گفتار دشنام آمیز و دروغ آلود برحذر باش که مایه آسیب و تحقیر گوینده است بنابراین دشنام یکی از عوامل اصلی اختلافات و کینه ها و نزاع ها و قهر و کینه های جمعی و فردی است. و دشنام یکی از آفات زبان و ردائیل اخلاقی است که ما باید با پیروی از سخنان گهر بار مولای متقیان حضرت علی علیه السلام و مقام معظم رهبری از آن دوری کنیم تا عاقبت به خیر شویم حضرت علی علیه السلام و این داستان خود را در نهج البلاغه چه مظلومانه ثبت کرده است که می فرماید: «فَأَمَّا السَّبُّ فَسُبُّنِي فَإِنَّهُ لِي زَكَاةٌ وَلَكُمْ نَجَاةٌ وَأَمَّا الْبِرَاءَةُ فَلَاتَتَّبِعُوا وَاثِمِي فَإِنِّي وُلِدْتُ عَلَيَّ الْفِطْرَةَ وَسَبَقَتْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَالْهِجْرَةَ؛ در صورت اجبار به من دشنام بدهید زیرا دشنام به من مرا پاک می کند و برای شما موجب رهایی است. ولی اگر تبری و تبیزاری از من را بر شما عرضه کند از من تبری مجویی زیرا من برفطرت پاک اسلام متولد شده ام و پیش از همه به ایمان و هجرت نایل گشته ام (نرم افزار نهج البلاغه، ترجمه و تفسیر آیت الله العظمی مکارم شیرازی)

رهبر انقلاب اسلامی: «بله کودکی که پیامبر اکرم، او را در آغوش خود می گرفت، با او روی منبر می رفت و برای مردم صحبت می کرد. او پسری بود که پیامبر درباره اش فرمود: «حسین منی و انا من حسین» رابطه ی بین این پدر و پسر، این گونه مستحکم بوده است، آن پسری که در زمان حکومت امیرالمؤمنین، یکی از ارکان حکومت در جنگ و صلح بود و در سیاست مثل خورشیدی می درخشید. آن وقت، کار آن جامعه به جایی برسد که همین انسان بارز و فرزند پیامبر، با آن عمل و تقوا و شخصیت فاخر و عزّت و با آن حلقه ی درس در مدینه و آن همه اصحاب و یاران علاقه مند و ارادتمند و آن همه شیعیان در نقاط مختلف دنیای اسلام را با آن وضعیت فجیع محاصره کنند و تشنه نگه دارند و

بکشند و نه فقط خودش، بلکه همه ی مردانش و حتّی بچه ی شش ماهه را قتل عام کنند و بعد هم زن و بچه ی اینها را مثل اسرای جنگی اسیرکنند و شهر به شهر بگردانند. قضیه چیست و چه اتفاقی افتاده بود؟ این، آن عبرت است. شما جامعه ی ما را با آن جامعه مقایسه کنید تا تفاوت آن دورا دریابید. ما در این جا و در رأس جامعه، امام عظیم القدر را داشتیم که بلاشک از انسانهای زمان ما بزرگتر و برجسته تر بود؛ اما امام ما کجا، پیامبر کجا؟ یک چنین نیروی عظیمی، به وسیله ی پیامبر در آن جامعه پراکنده شد که بعد از وفات آن بزرگوار، تا دهها سال ضرب دست پیامبر جامعه را پیش می برد. شما خیال نکنید این فتوحاتی که انجام گرفت، از نفس رسول الله منقطع بود؛ این، ضرب دست آن بزرگوار بود که جامعه ی اسلامی را پیش می برد و پیش برد. بنابراین، پیامبر اکرم در فتوحات آن جامعه و جامعه ی ما حضور داشت و دارد، تا وضع به این جا رسید.

من، همیشه به جوانان و محصلین و طلاب و دیگران می گویم که تاریخ را جدّی بگیرید و با دقّت نگاه کنید، ببینید چه اتفاقی افتاده است: «تلك أمة قد خلت» عبرت از گذشتگان، درس و آموزش قرآن است. اساس قضیه در چند نکته است که حالا من نمی خواهم آن ها را در این جا تحلیل و بیان کنم. مقداری را گفتم و مقداری هم باب محافل بحث و تدقیق است که افراد اهل تحقیق بنشینند و روی کلمه کلمه ی این حرفها، دقّت کنند.

یکی از مسائلی که عامل اصلی چنین قضیه ای شد، این بود که رواج دنیا طلبی و فساد و فحشا، غیرت دینی و حسّاسیتِ مسؤولیتِ ایمانی را گرفت. این که ما روی مسأله ی فساد و فحشا و مبارزه و نهی از منکر و این چیزها تکیه می کنیم، یک علّت عمده اش این است که جامعه را تخدیر می کند. همان مدینه ای که اوّلین پایگاه تشکیل حکومت اسلامی بود، بعد از اندک مدّتی به مرکز بهترین موسیقیدانان و آوازخوانان و معروفترین رقاصّان تبدیل شد. (امام خامنه ای، بیاناتی در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۸/۲/۱۸،

۴.۲. نکوهش بی جا و ملامت

نکوهش افراد در غیر مواردی که عنوان نصیحت و تذکر داشته باشد، از آفات زبان و از نظر قرآن و احادیث دینی ممنوع و از دیدگاه تعلیم و تربیت نتیجه ای معکوس خواهد داشت. مانند آن کسی که در انجام کاری دچار شکست شده و برخلاف آنچه می خواسته و انتظار می رفته به گرفتاری و دردسر مبتلا شده باشد. در این هنگام کسی او را مورد عتاب و سرزنش قرار دهد که چرا چنان کردی تا چنین شدی؟! بدیهی است کسی که به خاطر شکست و ناکامی در کارهایش مکدر و ناراحت است چه بسا اگر مورد تفقد و تقویت روحی دوستان و نزدیکان قرار نگیرد بیش از پیش تحت تأثیر شکست های روحی و غیر آن قرار می گیرد.

خداوند در قرآن مجید در توصیف مؤمنان واقعی می فرماید: «آنان - مؤمنان واقعی - در راه پیکار می کنند و از ملامت هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند.» (مائده، ۵، آیه ۵۴)

امیر مؤمنان علیه السلام ضمن بیان فضائل اخلاقی و ملکات انسانی یکی از برادران دینیش می فرماید: «وَكَانَ لَا يَلُومُ أَحَدًا عَلَيَّ مَا يَجِدُ الْعُذْرَ فِي مِثْلِهِ حَتَّى يَسْمَعَ إِعْتِدَارَهُ؛ او چنان بود که کسی را درباره چیزی که نسبت به مانندش معذور بود سرزنش و نکوهش نمی کرد تا عذرش را بشنود.» (دشتی، ۱۳۸۸، ۴۹۹) و نیز می فرماید: در سرزنش زیاده روی ممکن که کینه آورد و وارد به دشمنی کند. و نیز: زیاده روی در ملامت آتش لجاجت را شعله ور می سازد.

و امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: «مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنُّ؛ کسی که خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسی را که بدو بدگمان شده ملامت و سرزنش کند.» (باهمه انتقادهای که نسبت به ملامت و نکوهش بیجا انجام شده انسان هم نباید خود را در معرض نکوهش دیگران قرار دهد همچنان که اگر کسی خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسانی را که به او بدگمان شده اند ملامت کند. (دشتی، ۱۳۸۸، ۴۷۵)

رهبر عزیز می فرماید: امام صادق علیه السلام فرمودند: از دو خصوصیت و خصلت بپرهیزید) **الصَّجَرُ وَ الكَسَلُ**، «صَجْر»، به معنای دلتنگ شدن و ملول شدن و بی حوصله شدن است. انسان یک وقتی از یک وضعیتی، از یک حادثه ای مثلاً- یا از وضع مزاجی خودش، یا از کاری که به عهده ی او هست - ملول می شود، دلتنگ می شود. می فرماید مراقب باش دچار این دلتنگی نشوی، دچار این ملالت نشوی، دچار این کم حوصلگی نشوی، کم حوصلگی؛ این صَجْر است. (امام خامنه ای، بیانات رهبر در درس خارج فقه، ۱۳۹۵/۹/۱۶، <https://khl.ink/f/35269>)

کسی که خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسی را که بدو بدگمان شده ملامت و سرزنش کند. باهمه انتقادهای که نسبت به ملامت و نکوهش بیجا انجام شده انسان هم نباید خود را در معرض نکوهش دیگران قرار دهد همچنان که اگر کسی خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسانی را که به او بدگمان شده اند ملامت کند.

۲.۵. افشاکری و بازگویی اسرار

بازگوکردن اسرار و شایع کردن مطالبی که افشاء آن موجب ضرر برای خود یا دیگران باشد از آفت های بزرگ و غیر قابل جبران زبان است و در قرآن مجید و روایات اسلامی شدیداً از این آفت زبانی نهی شده است. افشا و بازگو کردن سر اعم است از کشف عیب و بازگو نمودن مطالب پنهانی زیرا سر همیشه عیب نیست ولی افشاء آن در بسیاری از موارد مایه رنجش خاطر مؤمن و برخلاف مصالح شخصی او و گاهی منجر به خطر جانی آبرویی یا مالی وی خواهد شد. سرگشایی در عبارتی کوتاه سقوط زبان از پایگاه اعتماد است. مولای متقیان حضرت علی علیه السلام می فرماید: سر تو تازمانی که گشوده نشده و ناگشوده مانده سبب سرور است اما هرگاه که فاش شد سبب اندوه خواهد بود. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ؛ کتمان کننده سراختیارکار خود را در دست خواهد داشت.» (دستی، ۱۳۸۸، ۴۷۵)

رهبر انقلاب: راز به دیگری گفتید اختیار از شما خارج شده است اگر بخواهید راز پنهان

بماند باید مکتوب نگه بدارید. (امام خامنه ای، بیانات در نخستین دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم، ۱۴۰۰/۶/۶، <https://khl.ink/f/48588>)

بنابراین افشاگری دربارهٔ بندگان خدا یک نوع خیانتی است که افشاگر نسبت به اسرار و اهانت های لازم الحفظ مردم مسلمان مرتکب می شود. واصولا ناشی از کم ظرفیتی، نفاق، دشمنی یا جلب منفعتی است که افراد پست و موذی بدان تن در می دهند. و نیز امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «در پرده برداشتن از اسرار خود بخیل باش و رازی را که به تو سپرده می شود آن را فاش مساز که فاش ساختن اسرار دیگران خیانت است. (تمیمی آمدی، ۱۳۷۵، ۵۶۸)

۶.۲. دورویی و دوزبانی (نفاق)

کسی که با دوزبان و با دو چهره با مردم برخورد کند منافق نام دارد که این دورویی یکی از آفات زبان است. منافق کسی است که در پیش رو از برادر دینی خود مدح و تمجید کند و در غیاب وی مذمت بد گوئی. در حضور او اظهار دوستی و محبت کند و در خفا مرتکب فحش، کارشکنی و آبروریزی گردد. و بالاخره منافق کسی است که ظاهرش با درونش متفاوت باشد و حضور و غیابش برخلاف یک دیگر.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: همانا پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «من بر امتم نه از مؤمن می ترسم نه از مشرک. زیرا مؤمن را خدا در درپر تو ایمانش از بیراهه بردن نگاه می دارد و مشرک را به خاطر شرکش ذلیل و سرکوب می نماید. لیکن ترس من بر شما از منافق دورویی است که نفاقش را در دل پنهان می دارد و زبانش گویای حقایق علمی و وظایف دینی است. او در مقام سخن آنچه پسندیده شماست می گوید اما در مقام عمل آنچه را که از آن ابا دارید مرتکب می گردد.» (نهج البلاغه نامه ۲۷)

همچنین می فرماید: از مردم منافق و دورو شما را بر حذر می دارم زیرا هم خود گمراهند و هم دیگران را به گمراهی می کشانند هم خود خطا کارند و هم دیگران را به خطا می افکنند. بنا به مصلحت کار خویش هر زمان به رنگی درآیند تا مردم ساده لوح و زود باور را

بفریبند. ستودن آنان همچون دوا و گفتارشان شفاست اما کردار و رفتارشان دردی است درمان ناپذیر، بیجا از این و آن ستایش می کنند و مانند آن را انتظار دارند. درخواست خود را با پافشاری انجام می دهند و هرگاه به عیب کسی پی ببرند رسوایش سازند و اگر درکاری به حکمت و داوری منصوب گردند سخن به باطل می گویند و آن راحق وانمود کنند. مقاصد شوم خود را با ظاهری آراسته جلوه می دهند و آیین پاک و راست الهی را ناراست و کج. بی شک چنین مردمی پیرو شیطان و زبانه آتش ضلالت و گمراهی اند. اینان حزب شیطانند آگاه باشید پیروان شیطان زیان کار اند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۴)

رهبر انقلاب مفهوم نفاق را پنهان کردن فکر و راه و ابراز خلاف آن به مؤمنان می دانند و با اشاره به اهمیت موضوع نفاق در قرآن، بر توجه ویژه به آن تاکید می کنند. رهبر انقلاب به سه دسته از منافقان در قرآن اشاره می کنند که عبارت اند از: "منافقین اول ورود پیامبر به مدینه"، "مؤمنانی که در آغاز هیچ نشانه ای از نفاق در آنها نبود و بعد منافق شدند" و "منافقان محارب". رهبر انقلاب همچنین از خطرناک بودن پدیده نفاق و همیشگی و ناشناخته بودن آن سخن می گویند و دشمن نقابدار (منافق) را بدترین دشمن می دانند. بی توجهی به نماز و نمازریایی، سوء ظن به خدا و قبول نداشتن وعده الهی و پنهان کاری و ریاکاری از جمله ویژگی هایی است که رهبر انقلاب برای منافقان برمی شمارند. "ناپسند بودن توهم نفاق"، "لزوم جهاد با منافقان" دو نکته کلیدی و مهم دیگر است که رهبر انقلاب بر آنها تاکید می کنند

سپس مواظب باشید که اخلاق نیکو را درهم نشکنید و به رفتار ناسپند مبدل نسازید زبان و دل راهمانگ کنید انسان باید زبانش را حفظ کند زیرا همانا این زبان سرکش صاحب خود را به هلاکت می اندازد. (دشتی، ۱۳۸۸، ۲۳۹)

در گام دوم در چهارمین محور مورد تاکید مقام معظم رهبری به عدالت و مبارزه با فساد پرداخته شده و بیان شده که بروز فساد در جامعه انقلابی امری واقعی است که اگر چه میزان و سطح فساد در ایران اسلامی نسبت به زمان طاغوت و بسیاری از کشورهای

دیگر بسیار کمتر است اما زشتی این پدیده در حکومت اسلامی ایران مذموم تر و سطح توقع پیشگیری از فساد بالا تر از سایر جوامع است.

۳. برکات زبان

برکات زبان بسیار زیاد است و ما در ذیل به هشت مورد از مهم ترین آنها شرح می دهیم.

۱.۳. صداقت

یکی از برکات زبان صداقت است مهم ترین کمال انسانی و شاخصه والایی است که انسان وجودش از راستی بهره مند باشد و یکی باشد. امام علی علیه السلام در تفسیر حکمت می فرماید: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ الصِّدْقِ لِمَنْ صَدَقَهَا وَدَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَّ عَنْهَا دَارِعِي لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَدَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا؛ دنیا سرای صدق و راستی است برای آن کس که به راستی با آن رفتار کند جایگاه عافیت برای کسی که از آن چیزی بفهمد سرای بی نیازی است برای آن کس که از آن توشه بگیرد و محل موعظه و اندرز است.» (دشتی، ۱۳۸۸، ۴۶۷)

به این ترتیب دنیا گرچه در نظر اول «دارالغرور» و «دارالمولعب» است ولی با دقت می تواند به سرای عافیت و موعظه و برگرفتن زاد و توشه تبدیل شود و نردبان ترقی انسان برای قرب الی الله باشد و معراج مؤمن و مزرعه آخرت گردد.

رهبر انقلاب اسلامی در این ذیل می فرماید: واقعاً انسان باید این ها را مثل دُر و گوهر گران بها روی چشمش بگذارد و به دنیا عرضه کند. حالا این صفات چیست؟ اول: صِدْقُ الْحَدِيثِ راستگویی؛ الان کشور خود ما کشور اسلامی است و از بسیاری از جوامع دنیا هم انصافاً بهتر و پاکیزه تر و طاهرتر است اما در عین حال شما ببینید خیلی از مشکلات داخل کشور ما ناشی از نبودن همین صفت است؛ صِدْقُ الْحَدِيثِ نیست، راستگویی نیست. راستگویی یعنی چه؟ یعنی شما حرفی را که می زنید، مطابق با واقع باشد. اگر دانستید مطابق با واقع است و گفتید، این راست است؛ اگر نه، نمی دانید مطابق واقع است یا نیست اما می گوئید، این صدق نیست. «صدق» عبارت است از اینکه شما چیزی را که می دانید مطابق واقع است، بیان می کنید. فضای مجازی را ملاحظه کنید

که بر اثر حرف، شایعه، دروغ، خلاف، تهمت، نسبت بدون واقعیت به این، به آن، به بالا، به پایین، به همدیگر، يك فضای دروغ در کشور به وجود می آید؛ ببینید، اینها اشکال است. پس اول «صِدْقُ الْحَدِيثِ» یعنی همه سعی کنیم راست بر زبان جاری کنیم. دوم: وَ صِدْقُ النَّاسِ. (امام خامنه ای، بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره صفت های برجسته اخلاقی، ۱۳۹۷/۱۲/۱۲، <https://khl.ink/f/42121>)

بنابراین صداقت استوارترین بنیانی است که دوستی ها، مشارکت ها برآن استوار می گردد وبدون آن همه این بنیادها در معرض فروپاشی و گسیختگی قرار می گیرد. رهبر انقلاب در گام دوم بیان می کنند که این جوانمردی ومروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه ی عمل جهانی و منطقه ای در کنار مظلومان جهان مایه سیربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.

۲.۳. اعتدال در سخن

یکی از برکات زبان اعتدال در سخن است بهترین کلام سخنی است که در آن مساوات یعنی نه در آن افراط باشد نه تفریط لازم است که مسلمانان در معاشرت ها و برخورد با یکدیگر بشاش و گشاده رو باشند و از طرفی برخورد ها باید مؤدبانه و جدی باشد.

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «المرء مخبوء تحت لسانه» منظور از (مرء) انسان در این جا شخصیت وارزش انسان است و منظور از (مخبوء) «نهفته بودن» در زیر زبان این است که هنگامی که سخن بگویند شخصیت او آشکار می شود چرا که سخن ترجمان عقل و دریچه ای به سوی روح آدمی است هرچه در روح اوست از خوب وبد، والا و پست بر زبان و کلماتش ظاهر می شود. گاه انسان به افرادی برخورد می کند که از نظر ظاهر بسیار آراسته و پرابهت اند اما همین که زبان به سخن می گشاید می بیند که چقدر تو خالی است و برعکس به افرادی برخورد می کند که ابا ظاهر ندارد اما هنگامی که زبان به سخن می گشاید انسان احساس می کند شخص دانشمند و حکیمی است. و در جایی دیگر امام علی علیه السلام می فرماید: انسان زیر زبان خود پنهان است. (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۴۷۳)

بنابراین آنچه که معرف شخصیت انسان است زبان اوست در صورتی که اعتدال درسخن داشته باشد از ارزش بالای برخوردار است. (انصاری، ۱۳۸۳، ۱۹۵-۱۹۳)

مقام معظم رهبری در گام دوم بیان می کنند که انقلاب اسلامی هرگز مرتکب افراط ها و چپ روی هایی که مایه ی ننگ بسیاری از قیام ها و جنبش ها است نشده است نتیجه این که ایران در همه جا به خصوص زبان و رفتار اعتدال را حفظ کرده است.

۳.۳. رازداری

یکی از برکات زبان رازداری است که همان طور که باید ظرفیت نگهداری راز خود را داشته باشیم و آن را پیش دیگران نگوئیم رازی را که کسی با ما در میان گذاشته و یا از اسراری به نحوی آگاه شده ایم باید نگهداری و امین آن باشیم.

امام علی علیه السلام در تفسیر حکمت می فرماید: در این عبارت نورانی و آنچه در ذیل آن آمده بر چهار مطلب تأکید می کند؛ که نخست «صدرالعاقل صندوق سره؛ سینه عاقل گنجینه اسرا اوست.» همان گونه که صاحبان ثروت اشیاء قیمتی را در صندوق های محکم نگهداری می کنند انسان عاقل نیز باید اسرارش را در دل خود پنهان دارد چرا که اسرار او اگر به دست دوست بیفتد گاه سبب ناراحتی اوست و اگر به دست دشمن بیفتد ممکن است آبروریزی او شود. به علاوه بعضی از اسرار ممکن است با سرنوشت ملتی ارتباط داشته باشد که اگر بی موقع فاش شود سبب خسارت عظیمی برای جامعه گردد.

در جایی دیگری مولا علی علیه السلام می فرماید: سینه خردمند صندوق راز اوست و خوش رویی وسیله دوست یابی و شکیبایی گورستان پوشاننده عیب هاست. در تفسیر دیگری آمده است مولای متقیان حضرت علی علیه السلام می فرماید: سینه شخص عاقل صندوق اسرار اوست و خوش رویی دام محبت است و تحمل ناراحتی بد عیوب است. (آشتیانی، ۱۳۶۷، ۲۱۳/۳)

بنابراین همانطور که امام علی علیه السلام می فرماید: آن کس که راز خویش را پنهان دارد ابتکار عمل را در اختیار خواهد داشت.

پس رازداری هنرانسان های با ظرفیت است ما باید از مولا و پیشوایان معصوم علیهم السلام و مقام معظم رهبری را در این زمینه الگو قرار بدهیم.

۳.۴. موعظه (نصیحت)

در مورد جسم گاهی می بیند ورزشکاری در یک مسابقه سنگین نود دقیقه دویده است و بدنش خسته شده و نیاز به خواب دارد که اگر استراحت مناسبی نکند بدن دوباره سر حال می شود. روح انسان نیز چنین حالتی دارد. امیر المؤمنین علیه السلام در حکمت ۱۹۷ می فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبُ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ؛ بدانید دل‌های شما هم مانند بدن‌تان خسته و کسل می شود وقتی که این گونه شد آنجا دنبال نکات ظریف و حکمتها و مواعظ و نصیحت هابروید آنجا درد روح را موعظه و نصیحت درمان می کند.» (انصاری، ۱۳۸۳، ۷۴-۷۱)

و این جاست که نصیحت و موعظه برای نجات انسان وارد صحنه می شود زیرا یکی از چیزهایی که زنگ را از روح انسان می زداید و کسالت و کدر بدون آن را از بین می برد و صافی روح ایجاد می کند نصیحت و موعظه است. انبیا این مسؤولیت را دارند. امام علی علیه السلام در تفسیر حکمت می فرماید: «وَإِذَا مَرَّوَابَايَةَ فِيمَا تَخْوِيفُ أَصْفُوا إِلَيْهَا مِيَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَظَنُّوَانِ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَشَهيقُهَا فِي أُصُولِ أَدَانِهِمْ؛ هنگامی که به آیه ای می رسند که بیم و اندرز در آن است (انذار در برابر گناهان) گوش های دل خویش را برای شنیدن آن باز می کنند و گویی فریادها و ناله های زبانه آتش در درون گوششان طنین انداز است.» آری ایمان آن ها به مرحله شهود رسید و حقایق عالم غیب و جهان آخرت را با چشم می بینند. و با همه وجودشان لمس می کنند و هرگاه خواندن آیات قرآن بدین گونه باشد بهترین وسیله تربیت انسانهاست. (دشتی، ۱۳۸۸، ۲۷۳)

درس اخلاق امام خامنه ای: حضرت موسی به خضر گفت یک نصیحتی بکن فرمود هرگز لجاجت نکن لجاجت با دوست و دشمن لجاجت یعنی پا فشردن با یک امری که درست و معقول نیست، حرکت کنی راه بروی بدون این که هدفی در نظرت باشد، خطای

خود و گناه خود را از یاد نبر باعث می شود انسان توبه کند و راه را دوباره نرود؛ باعث می شود انسان به خودش مغرور نشود خطای مردم را از بین ببرد. بنابراین همانطور که امام علی علیه السلام می فرماید: آن چه که باعث نجات روح از درد و کسالت و تنبلی می شود موعظه و نصیحت است که با گوش کردن عمل به موعظه و نصیحت ائمه معصومین و انبیا علیهم السلام و مقام معظم رهبری همیشه روح شادابی خواهیم داشت. رهبر اسلامی در گام دوم جوانان را نصیحت می کنند و می فرمایند جهان غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران زیان های بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است مقابله با آن جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان ها است.

۳.۵. دعا و شکر

یکی از برکات زبان دعا و شکر است. که ما انسانها همیشه باید خداوند را به خاطر نعمتهای زیادی که به ما ارزانی داشته شکر کنیم. امام علی علیه السلام در تفسیر حکمت می فرماید: «الشکر ویغلق عنه باب الزیادة ولا لیفتح علی عبد باب الدعاء ویغلق عنه باب الاجابة؛ چنین نیست که خداوند باب دعا را به روی کسی بگشاید و باب اجابت را به رویش ببندد.» این اشاره به آیه شریفه ۶۰ سوره غافر است: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» و آیه شریفه ۱۸۶ سوره بقره: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي إِدْعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي؛ هرگاه بندگان من درباره من از تو سؤال کنند بگو من به آنها نزدیکم و دعای دعا کننده را هنگامی که مرا از (صمیم دل) بخواند اجابت می کنم.» دلیل آن هم روشن است زیرا نه خداوند بخیل است و نه اجابت دعا چیزی از او می کاهد بلکه رحمانیت و رحیمیت او ایجاب می کند که تمام تقاضاهای بندگان را اجابت می فرماید و اگر گاهی اجابت دعا تأخیر می افتد و یا بعضی از دعاها به اجابت نمی رسد حتما دلیل مصالحتی است یا به واسطه وجود موانع بسیار می شود. که انسان از خدا چیزی می خواهد که دشمن جان است اما توجه ندارد خداوند چنین دعایی را مستجاب نمی کند گاهی هم چیزهایی می خواهد اما موانعی

مانند گناهان بزرگ جلوی اجابت آن رامی گیرد.

حقیقت شکر این است که انسان نعمت را از خدا بداند. نه این که به زبان بگوید؛ با همه ی وجود باور کند که آنچه از نعمت در اختیار اوست، از سوی خداست. این طور نباشد که خیال کند، اوست که این نعمت را برای خود فراهم کرده است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۶/۳/۷، <https://khl.ink/f/2842>)

بنابراین ما انسان ها باید با الگو قرار دادن امام علی علیه السلام و مقام معظم رهبری همیشه شکر گذار نعمت های گران قدر خداوند بزرگ باشیم.

مقام معظم رهبری در انتهای بیانیه گام دوم می فرمایند پیشانی سپاس بردگاه حضرت حق می سایم رهبر انقلاب با این بیان نشان می دهند که انسان همیشه باید شکرگذار باشد

۳.۶. داوری و قضاوت

یکی از برکات زبان داوری و قضاوت کردن است این که انسان بتواند با داوری و قضاوت درست دیگران را یا رای دیگر که مشکلاتشان به نحو احسن حل شود. امام علی علیه السلام می فرماید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا به یمن فرستاد. گفتم ای پیامبر خدا مرا برای داوری به سوی یمن گسل می داری در حالی که جوانم و از داوری چیزی نمی دانم دست خود را روی سینه من گذاشت و گفت: «لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ عَلَيَّ ثِقَةً بِالظَّنِّ؛ پروردگارا دلش راهدایت کن و زبانش را استوار فرما. پس از آن هرگز در داوری بین دو نفر تردید نکردم. (محمدی، ۱۳۹۰، ۷۳۷)

امام علی علیه السلام می فرماید: داوری در حق افراد مورد اطمینان با تکیه بر گمان رسم عدالت نیست. در تعبیر دیگر آمده: داوری با گمان بر افراد مورد اطمینان دور از عدالت است.

مقام معظم رهبری می فرماید: یک نکته مهم در بام قوه قضاییه که می بینیم درست پیش نمی رود مسئله اعتماد سازی مردم است؛ افکار عمومی خیلی مهم است ما در مقابل دشمن و بدخواه و توطئه گرو دروغ گو و تهمت زن باید با صلابت و قاطعیت عمل کنیم

ولی در مقابل افکار عمومی نمی شوند این جور ظاهر شد. در مقابل افکار عمومی بایستی با تواضع، بادلسوزی، با محبت وارد شد و به افکار عمومی تفاهم کرد؛ این خیلی چیز مهمی است، تا بتوانیم اعتماد افکار عمومی را جلب کنیم. و جلب اعتماد افکار عمومی، یکی از آن اساسی ترین کارها است برای قوه قضاییه؛ خوب، حالا چه کار کنیم برای این که این اعتماد بدست بیاید؟ به نظر می رسد و کار اساسی باید انجام بگیرد یک کار، کار عملی است یک کار، کار تبلیغاتی است. حوصله شنیدن باید داشته باشید هم در دادسرا به وسیله بازپرس هم در مواجهه با دادستان هم در نهایت در دادگاه در مواجهه با دادرس و قاضی بایستی گوش شنوا وجود داشته باشد بشنوید، هم از آن کسی که شاکی است و آماده شکایت می کند گوش بدهید ببینید واقعاً چه می گوید، هم از آن کسی که متهم است و از خودش دفاع می کند کاملاً گوش کنید ببینید چه می گوید؛ این باید شنیده بشود؛ ممکن است حرف او را قبول هم نکنید اما گوش کنید در نتیجه باید خوب قضاوت کنید. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضاییه، ۱۳۹۷/۴/۶، <https://khl.ink/f/40036>)

بنابراین ما باید با تکیه بر احادیث و سفارش مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام و رهبر انقلاب در مورد انسان ها زود داوری و قضاوت نکنیم تا خدای ناخواسته عذاب و جدان نداشته باشیم و عاقبت به خیر شویم و همیشه در راه صراط مستقیم گام برداریم.

۷.۳. گشاده رویی

یکی از برکات زبان این است که انسان گشاده رو و خوش اخلاق باشد که خوشرویی با مردم از نشانه هایی حسن سلوک است. کسی که به اخلاق حسنه متخلق است گرچه ناراحت و اندوهگین باشد ولی در برابر دیگران اظهار ناراحتی نمی کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ؛ شادی مؤمن در چهره اش نمایان و اندوه او در قلبش پنهان است.» اشاره به این که شخص با ایمان به قدری صابر و شکیب است که غم و اندوه خود را در دل نگه می دارد و در چهره اش چیزی جز شادی نیست. شادی از نعمت های

خدا و شادی در برابر دوستان و معاشران همین امر موجب جذب افرادی زیادی به او خواهد شد چرا که همیشه او را شاد و خندان می بینند او هرگز نزد کسی زبان نه شکوه نمی گشاید و اندوه درون خود را به دوستان و معاشران خود منتقل نمی سازد در حالی که افراد ضعیف الایمان و کم ظرفیت تا مشکلی برای آنها پیدا می شود سفره دل خود را در برابر همه کس باز می کند و لب به شکایت می گشاید. (دشتی، ۱۳۸۸، ۵۰۷)

از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) یک شخصیت عظیم، با ظرفیت بی نهایت و با خلق و رفتار و کردار بی نظیر، در صدر سلسله انبیا و اولیا قرار گرفته است و ما مسلمانان موظف شده ایم که به آن بزرگوار اقتدا کنیم رهبر معظم انقلاب درباره ی شخصیت والای پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و لزوم اقتدای مسلمانان به ایشان می فرماید: پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جدای از خصوصیات معنوی و نورانیت و اتصال به غیب و مراتب و درجاتی که حتی امثال بنده هم از فهمیدن آن ها قاصر هستیم. از لحاظ شخصیت انسانی و بشری، یک انسان فوق العاده، طراز اول و بی نظیر است.

نتیجه می گیریم که مؤمن باید همیشه خوش اخلاق و خوشرو باشد که افراد زیادی را به خود جذب کند اما غم و اندوه همیشه درون اوست و آن را به کسی منتقل نمی کند. مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب اسلامی و ملت ایران قدرتمند اما مهربان و با گذشت و حتی مظلوم بوده است.

۸.۳. سنجیده سخن گفتن

یکی از برکات زبان سنجیده سخن گفتن است کم حرفی پرهیز از بیهوده گویی و سخنان بی فکر و تأمل از نشانه های خردمند است. بنابراین عاقل کسی است که از پر حرفی پرهیزد یاوه و بیهوده نگوید و قبل از سخن بیندیشد. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر حکمت درباره حفظ زبان می فرماید: «لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ؛ زبان خردمند پشت قلب اوست و قلب نابخرد پشت زبان او». (محدثی، ۱۳۹۱، ۲۵) مفهوم این کلام آن است که عاقل ابتدا می اندیشد سپس سخن می گوید. اما احمق اول حرف می زند

سپس می‌اندیشد خردمند با تأمل حرف می‌زند. اما نا بخرد سخنان بی فکر دارد. (دشتی، ۱۳۸۸، ۴۵۰) همین مضمون به شکل گیری درکلمات آن حضرت آمده است: «قلب الاحمق فی فیه ولسان العاقل فی قلبه؛ قلب احمق در دهان اوست اما زبان خردمند در قلب او.» اقتضای عقل و خردمندی کم حرفی و پرهیز از سخنان بیهوده است. عاقل قدرت سکوت و گزیده‌گویی دارد سکوتش هم زمینه تفکر است. بنابراین هرکس زبان خویش را نگه دارد و سنجیده سخن گوید به تقوا و پرهیزکاری نزدیک می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

زبان نعمتی خداداد است که در زندگی بشر اهمیت به‌سزایی دارد. زبان مهم‌ترین دریچه‌ای است که به روح انسان گشوده می‌شود و اساسی‌ترین راه ارتباطی بشر در طول تاریخ بوده است؛ بنابراین شناخت آفات و برکات آن حیاتی است. در پژوهش فوق با الهام از نهج البلاغه و اندیشه مقام معظم رهبری به بررسی و تبیین آفات و برکات زبان پرداخته‌ایم که به شش مورد آفات آن شامل: غیبت و عیب‌جویی، دروغ، دشنام، نکوهش بی‌جا و ملامت، افشاگری و بازگویی اسرار، دو رویی و دو زبانی و هم‌چنین هشت مورد برکات آن شامل: صداقت، اعتدال در سخن، رازداری، موعظه، دعا و شکر، داورى و قضاوت، گشاده‌رویی، سنجیده سخن گفتن پی‌بردیم که تعدادی از آفات و برکات زبان بی‌شمار زبان است. نوروزی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «نقش آموزه‌های اسلامی در تربیت زبان» با رویکرد کیفی با روش توصیفی، تحلیلی به پژوهش پرداخته‌اند که به برکاتی چون شیوه بیان مستدل و محکم، مودبانه و عاشقانه، پسندیده و به اندازه، نرم و مهربانانه، رسا و واضح، کریمانه و بزرگووارانه، زیبا و نیکو، نیک و پسندیده و هم‌چنین گفتاری متکی به عدالت به دور از نزاع و خشونت و هم‌چنین برای تبری از آفات زبان راهکارهای هم‌چون سنجش زبان، حفظ زبان، سکوت و صمت از نتایج پژوهش آنان بوده است که از لحاظ محتوایی با پژوهش

حاضر هم خوانی دارد.

بهارستانی وهمکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیرات منفی آفات سه گانه زبان (غیبت، تهمت و بهتان) بر زندگی اسلامی» از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار داده و پس از تبیین حوزه معنایی این سه واژه و تفاوت‌های مفهومی میان آن‌ها به بررسی آسیب‌های این سه گناه در زندگی اسلامی پرداخته و پیامدهای آن را تبیین نموده است که از لحاظ محتوایی با پژوهش حاضر هم خوانی دارد.

نوآوری پژوهش حاضر از آن جهت حائز اهمیت است که به آفات و برکات زبان هم‌زمان در پژوهش پرداخته است که با نتایج حاصل از آن می‌تواند منشوری جامع جهت ارتقا اخلاق و تربیت اسلامی در زمینه شناخت و حفظ زبان در جامعه باشد. از موانع و محدودیت‌های پژوهش می‌توان کمبود منابع کارشده مشابه، زمانبر بودن مطالعه کتاب نهج البلاغه و بررسی بیانات مقام معظم رهبری اشاره کرد.

پیشنهادات

۱. جهت پژوهش‌های آینده به آفات و برکات سایر اعضا و جوارح بدن هم‌چون گوش و چشم از منظر نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.
۲. آفات و برکات زبان از منظر سایر متون اسلامی، قرآن و صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار و تبیین قرار گیرد.
۳. از نتایج پژوهش فوق و پژوهش‌های مشابه در برنامه ریزی‌های فرهنگی و گسترش اخلاقی اسلامی در جامعه استفاده بهینه گردد.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی - ج ۴. چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۵
- آشتیانی، محمدرضا، امامی، محمد جعفر، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه - زیر نظر استاد محقق ناصر مکارم شیرازی، جلد سوم، چاپ اول، قم، مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۷
- آمدی تمیمی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم و غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۷۵
- انصاری، محمد، فروغ حکمت، چاپ دوم، تهران، انتشارات بیان صداقت نور، ۱۳۸۳
- بهارستانی، اسما و پناهی، معصومه «تاثیرات منفی آفات سه گانه زبان (غیبت، تهمت و بهتان) بر زندگی اسلامی»، نشریه احسن الحدیث، پیش شماره یک، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ۵۱-۶۳
- دشتی، محمد، شرح و تفسیر نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، بقیه الله عجل الله حکمت، ۱۳۸۸
- دلشاد، مصطفی، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، ناشر: دفتر نشر معارف چاپ شانزدهم پاییز ۱۳۸۷
- فقیه ایمانی، مهدی بن محمد باقر، نقش زبان در سرنوشت انسان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات عطرت، ۱۳۸۰
- محدثی، جواد، مشاوره، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱
- محمد تقی جعفری، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه محمد تقی جعفری تبریزی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۰
- محمدی، حمید، درسنامه نهج البلاغه، ج ۱، قم، بنیاد بین المللی آفاق، ۱۳۹۶

مکارم شیرازی ناصر و همکاران، پیام امام امیرالمؤمنین شرح تازه و جامعى بر نهج البلاغه، ج ۵، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲

نوروزی، رضا علی، قاسم نژاد، حیدر، نصرتی هشی، کمال، قربانی، منصوره، متقی، زهره «نقش آموزه‌های اسلامی در تربیت زبان»، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۷۹، بهار ۱۳۹۳،

۲۶- ۴۴

نرم افزانهج البلاغه، ترجمه و تفسیر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) تمامی بیانات مقام معظم رهبری از سایت khamene.ir